

برنامه‌هایی مثل «شرایط خاص» یا تاک‌شوهای نوگرا و نسل‌محور حرکت کنند. نسلی که اکنون در اوج بلوغ فکری و اجتماعی خود قرار دارد، سزاوار دیده شدن، شنیده شدن و گفت‌وگویی هم‌سطح است. جدی گرفتن این نسل، در واقع جدی گرفتن آینده رسانه و فرهنگ این سرزمین است.

آیا فکر می‌کنید حضور چهره‌های شناخته‌شده‌ای مثل شما در این فضا می‌تواند اعتماد عمومی را بازسازی کند؟

ابتدا لازم می‌دانم از لطف و توجه شما صمیمانه سپاسگزاری کنم. در پاسخ به این پرسش باید تأکید کنم که بازسازی اعتماد عمومی، موضوعی بسیار پیچیده و چند وجهی است که نمی‌توان آن را صرفاً با تلاش یک فرد یا حتی یک چهره شناخته‌شده به سرانجام رساند. به عبارت دیگر، «با یک گل بهار نمی‌شود» و این مسیر نیازمند هم‌افزایی گسترده، تغییرات بنیادین و مشارکت همه ارکان جامعه است. به عنوان یک شهروند که ممکن است در حوزه رسانه به واسطه سابقه و شهرت، مقبولیت نسبی داشته باشد، می‌دانم که بازسازی این اعتماد فراتر از توان و اختیارات من است. این فرآیند به همکاری نهادهای مختلف، تغییرات ساختاری و حضور فعال و جدی تمام بازیگران رسانه‌ای نیاز دارد. بر این اساس، شدیداً توصیه می‌کنم که ساختار رسانه‌ای کشور مورد بازنگری اساسی قرار گیرد. نباید تصمیم‌گیری‌ها پشت درهای بسته و توسط ذهن‌های کند و خسته شکل بگیرد، به‌ویژه وقتی موضوع نسل جوان و آینده کشور مطرح است. به جای این شیوه سنتی، باید کار را به دست متخصصان، جوانان خلاق و صاحبان ایده‌های نو سپرد. این افراد با انرژی، دیدگاه تازه و درک بهتر از نیازهای مخاطبان معاصر می‌توانند مسیر رسانه‌ای کشور را تغییر دهند و وضعیت فعلی را بهبود بخشند. چنین بازنگری و تجدید نظری، نه تنها به بازسازی اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه تضمین‌کننده پویایی و کارآمدی رسانه‌ها در شرایط پیچیده و پرچالش امروز خواهد بود.

آیا ادامه این سبک برنامه‌سازی را در پلتفرم‌های غیردولتی می‌بینید یا ممکن است دوباره به تلویزیون بازگردید؟

در حقیقت، برنامه «شرایط خاص» محصول شرایطی ویژه و بحرانی بود که پیش‌آمد و همانطور که پیش‌تر توضیح داده‌ام، ذاتاً ایده‌ای دوستانه و لحظه‌ای برای پاسخ به آن وضعیت خاص محسوب می‌شود. این برنامه با هدفی مشخص و در زمانی حساس آغاز شد تا مخاطبان را در آن لحظات بحرانی همراهی کند و زبان گفت‌وگوی جدیدی ارائه دهد. با این حال، درباره ادامه تولید برنامه در بسترهای مختلف چه تلویزیون و چه سایر پلتفرم‌ها هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌ام و نمی‌توانم دقیقاً پیش‌بینی کنم که آینده این پروژه به چه سمت و سویی خواهد رفت. فضای رسانه‌ای و شرایط پیرامون برنامه به گونه‌ای است که تصمیم‌گیری درباره مسیر آینده آن نیازمند بررسی‌های بیشتر و زمان بیشتری است.

چه رؤیایی برای آینده برنامه «شرایط خاص» دارید؟ کلافه‌فکری برای توسعه آن در ذهن دارید؟

بله، مدت‌هاست که آرزو دارم برنامه‌ای شبانه با ادبیاتی نوین و سبکی متفاوت در حوزه موضوعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تولید کنم. چنین برنامه‌ای می‌تواند فضای گفت‌وگو و نقد را به شکل تازه‌ای برای مخاطبان فراهم آورد و در عین حال، به ارتقای کیفیت رسانه‌ای کشور کمک کند. با این حال، متأسفانه تا به امروز شرایط لازم برای تحقق این خواسته فراهم نشده است. امیدوارم در آینده‌ای نزدیک، با گسترش برنامه‌های اینترنتی و پلتفرم‌های آنلاین، فرصت مناسب برای اجرای این ایده‌ها فراهم گردد. اگر بتوانم در چنین فضایی فعالیت کنم که محدودیت‌ها و موانع سنتی مانع کار نشوند، با کمال میل و انرژی این مسیر را ادامه خواهم داد و در خدمت مخاطبان خواهم بود.

«شرایط خاص» ندارم، چرا که این پروژه، در شرایطی کاملاً اضطراری و با کمترین امکانات ممکن آغاز شد. آغاز به کار برنامه، نه در فضای آماده و پیش‌بینی‌شده، بلکه در میانه تحولات سریع و گاه‌فرساینده‌ای بود که مجالی برای برنامه‌ریزی دقیق یا اجرای استانداردهای حرفه‌ای باقی نمی‌گذاشت. طبیعتاً بسیاری از ایده‌ها، طراحی‌ها و چارچوب‌هایی که در ذهن داشتم و سال‌ها با آن‌ها زندگی کرده‌ام، در این پروژه فرصت بروز پیدا نکردند. دلیل اصلی این امر، سرعت فوق‌العاده بالای تحولات اجتماعی و خبری در آن مقطع، و در کنار آن، نبود امکانات مالی و سخت‌افزاری اولیه بود. برای آن که از جریان رویدادها عقب نمانم، ناچار شدم با هر آنچه در اختیار داشتم حرکت کنم و همین باعث شد فاصله چشمگیری میان آنچه در

افکار عمومی امروز بزرگ‌ترین سرمایه دفاعی رسانه‌هاست؛ سرمایه‌ای که بدون آن، هیچ تلاش رسانه‌ای با بهترین ابزارها و پیشرفته‌ترین امکانات به نتیجه نخواهد رسید. در واقع، اعتمادسازی در میان مردم، خود یک اقدام عمیقاً پدافندی است. این فرآیند نیازمند صداقت، شفافیت، زبان انسانی و پیوستگی ارتباطی با جامعه است. امیدوارم سیاست‌گذاران رسانه‌ای کشور هر چه سریع‌تر و جدی‌تر به این ضرورت توجه کنند و با انجام اصلاحات و خانه‌تکانی‌های بنیادی، جایگاه پدافند رسانه‌ای را در راهبردهای ارتباطی کشور بازتعریف کنند؛ چرا که در غیاب اعتماد عمومی، هیچ رسانه‌ای حتی ملی‌ترین آن‌ها نمی‌تواند مأموریت دفاع از حقیقت و منافع مردم را به درستی انجام دهد.



ذهن بود و آنچه در عمل محقق شد، ایجاد شود. با این حال، در نهایت باید بگویم که «شرایط خاص» با همه کاستی‌هایش، تلاشی صادقانه و بی‌ادعابود؛ تلاشی که می‌توانم آن را با این مصرع کهن توصیف کنم: «برگ سبزی ست، تحفه درویش». برنامه‌ای که با دست خالی اما با نیت روشن و دغدغه‌مند به میدان آمد، شاید نه بی‌نقص، اما صادقانه، زنده و دل‌برآمده.

در شرایطی که جامعه با بحران‌های متعدد مواجه است، رسانه و پلتفرم‌های خانگی چه مسئولیتی دارند؟

در شرایطی که نسل جوان کشور، به‌ویژه «نسل زد»، با شیوه‌های سنتی برنامه‌سازی ارتباط برقرار نمی‌کند و صدا و سیما نیز متأسفانه همچنان از پرداختن جدی و متناسب با ویژگی‌های این نسل اجتناب می‌کند، انتظار می‌رود که پلتفرم‌های نمایش خانگی و آنلاین خلأ موجود را تا حدی جبران کنند. من قویاً توصیه می‌کنم پلتفرم‌ها به صورت جدی تری به تولید برنامه‌هایی ویژه برای «نسل زد»، بپردازند. البته کاملاً آگاه هستم که سریال‌ها و تولیدات نمایشی، به‌ویژه از منظر اقتصادی، بازخورد بالاتری برای این پلتفرم‌ها دارند و مخاطب وسیعی را جذب می‌کنند. اما در کنار این محتواها، نیاز به تولیدات تاکشوهایی گفت‌وگو محور، تعاملی، زنده و هم‌زمان با جوانان، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. واقعیت تلخ این است که در فضای رسمی رسانه‌ای کشور، «نسل زد»، اغلب یا نادیده گرفته می‌شود، یا در قالب‌های کهنه و صرفاً دایره‌المعارفی مورد تعریف قرار می‌گیرد؛ در حالی که این نسل، زنده، پویا و در حال بازتعریف زبان و سبک زندگی خود است. از این رو، من نه تنها توصیه، بلکه با احترام و جدیت، از پلتفرم‌ها خواهم که می‌کنم که به‌سوی تولید

چطور می‌توان در روزهایی که مردم دچار اضطراب، ناامنی یا بی‌اعتمادی هستند، برنامه‌ای ساخت که هم آرامش دهد و هم آگاهی ببخشد؟

پاسخ این پرسش، در واقع در خود سؤال نهفته است. مردم زندگی می‌کنند همین حالا، در همین لحظات. حتی اگر فردی در شرایط بسیار دشواری باشد، مثلاً بستری در بخش مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو)، باز هم زندگی برای او در جریان است. ممکن است ریتم زندگی کند یا تلخ شده باشد، اما همچنان جاری است و باید آن را جدی گرفت. نکته اساسی این است که در شرایط خاص و بحرانی، نباید اجازه دهیم «فیض زندگی» از کار بیفتد. رسالت مادر رسانه، یادآوری رنگ زندگی است؛ یادآوری شادی، امید، لذت و معنا در دل روزهایی که ممکن است تلخی و اضطراب بر آن سایه انداخته باشد. این به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌ها نیست، بلکه به این معناست که حتی در دل واقعیت‌های تلخ، هنوز جایی برای زیستن وجود دارد. در واقع، این نگاه به زندگی نه تنها منافاتی با اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و اعتمادسازی ندارد، بلکه مکمل آن است. وقتی مخاطب حس کند رسانه‌ای هست که در اوج بحران نیز به او حس زندگی می‌دهد، به آن رسانه اعتماد خواهد کرد و از آن خبر خواهد گرفت. نه فقط خبر، بلکه امید و آرامش هم خواهد خواست. ما گاهی دچار این تصور نادرست می‌شویم که در زمان بحران فقط باید اطلاع‌رسانی کنیم، فقط باید بجنگیم. اما به باور من، پیش‌شرط همه این‌ها، «جدی گرفتن خود زندگی» است، با همه پیچیدگی‌ها، تلخی‌ها و زیبایی‌هایش.

به نظر شما «شرایط خاص» تا چه حد توانسته نمونه‌ای از برنامه‌سازی استناددار و مؤثر در وضعیت بحرانی باشد؟

من هیچ ادعایی درباره کیفیت نهایی برنامه

در جریان نگارش پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی‌ام، بیش از یک سال و نیم است که به‌طور متمرکز بر موضوع «نسل زد» و تفاوت‌های گفتمانی آن با نسل‌های پیشین مطالعه می‌کنم. تمرکز این پژوهش بر درک بهتر ویژگی‌های فکری، رفتاری و ارتباطی این نسل است؛ نسلی که به‌وضوح با معیارها و الگوهای گذشته تفاوت دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در جریان این مطالعات دریافتم، «کنش در لحظه» و «تصمیم‌گیری آنی» در میان جوانان «نسل زد» است. این به معنای تصمیم‌گیری بدون تعقل نیست، بلکه نوعی واکنش سریع و هم‌زمان است که می‌توان آن را شکلی از تصمیم‌گیری کوانتومی توصیف کرد. جایی که تعقل و عمل در یک لحظه با هم پیوند خورده و اقدام می‌شود. این ویژگی برای من، به عنوان فردی

متعلق به دهه پنجاه، شگفت‌انگیز و در عین حال الهام‌بخش بوده است. بر همین اساس، تلاش کرده‌ام با تکیه بر مطالعات و مشاهداتم، خود را به فضای فکری و رفتاری این نسل نزدیک‌تر کنم؛ چه در زبان برنامه‌سازی، چه در نوع روایت، و چه در سرعت واکنش به اتفاقات روز. البته اینکه تا چه میزان در این مسیر موفق بوده‌ام یا خیر، قضایای است که باید به مخاطبان سپرد. آن‌ها هستند که در نهایت می‌توانند مشخص کنند آیا این تلاش برای نزدیکی نسلی و گفتمانی، در قالب برنامه «شرایط خاص» به درستی بازتاب یافته است یا نه.

به عنوان یک برنامه‌ساز با تجربه، استانداردهای تولید رسانه‌ای در شرایط بحرانی مانند جنگ را چه می‌دانید؟

همان‌طور که در میدان جنگ، مفاهیمی چون آفند (حمله) و پدافند (دفاع) به عنوان دورکن اساسی تعریف می‌شوند، در میدان رسانه نیز این دو کارکرد به وضوح قابل تفکیک و تحلیل هستند. مادر حوزه رسانه عمومی، به شدت به افکار عمومی و اعتماد افکار عمومی نیازمند هستیم. در دوران حاضر اعتمادسازی در افکار عمومی کاملاً یک مقوله پدافندی است که امیدوارم در سیاست‌گذاران رسانه‌ای کشور به سرعت و به شدت دست به خانه تکانی‌های اساسی بزنند و مسئله پدافند رسانه‌ای را بسیار جدی بگیرند. رسانه‌ها تنها ابزار حمله یا تولید کنش فعال در فضای افکار عمومی است، بلکه در موارد بسیاری باید نقش تدافعی، ترمیمی و مراقبتی ایفا کنند، آنچه که از آن به عنوان «پدافند رسانه‌ای» یاد می‌شود. با این نگاه، معتقدم در وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگری به تقویت بخش پدافندی رسانه نیاز داریم. این پدافند، تنها از مسیر جلب و بازسازی «اعتماد عمومی» ممکن خواهد شد. اعتماد